

میزان صدور احکام بازپرورانه در بزهکاری کودکان و نوجوانان بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

مجید قورچی بیگی *

معصومه شهرانی **

چکیده

اطفال و نوجوانان به لحاظ سنی و شخصیتی در برابر بزهکاری آسیب پذیرتر هستند. دوران کودکی اقتضا می کند که سیاست جنایی مقابله با بزهکاری اطفال متمایز از بزرگسالان بوده و به تناسب شرایط و شخصیت آنان پاسخ دهی خود را سامان دهد. با توجه به اثبات ناکارآمدی های موجود در واکنش های سنتی سزاگرایانه و ناتوانی آنها در اصلاح بزهکاران نوجوان، نظام های عدالت کیفری نیز در دهه های اخیر کوشیده اند سیاست هایی اصلاحی - بازسازگارانه در قبال بزهکاری کودکان و نوجوانان اتخاذ نمایند. سیاست جنایی ایران نیز متأثر از تجربه های تطبیقی سایر نظام های عدالت کیفری و آموزه های جرم شناختی (از جمله نظریه های رشد مدار، جرم شناسی واکنش اجتماعی و رهیافت های جامعه محور) در سال ۱۳۹۲ و با تصویب قانون مجازات اسلامی، تحولات تقنینی ماهوی و شکلی گسترده ای را در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار پی گرفته است. این تغییرات مثبت زمانی عملی خواهد شد که در عمل، دست اندرکاران نظام قضایی با این سیاست ها همراه شوند. بررسی های این مقاله نشان می دهد که علی رغم ایجاد تغییر در سطح تقنینی، در سطح قضایی به دلایل مختلف از جمله تمایل عامه مردم به واکنش های سزاگرایانه، عدم پذیرش فرهنگی، غیرمؤثر دانستن واکنش های بازسازگارانه، عدم توجیه و آشنایی دست اندرکاران نظام قضایی پیرامون این واکنش ها و آماده نبودن بسترهای اجرایی

* عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

Majid.baygi@khu.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دادیار دادرسی عمومی و انقلاب تهران

Masoume.shahrani@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۰۸

این نوع واکنش‌ها، تمایل کمی به استفاده از این نوع واکنش‌ها نشان داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: بزهکاری اطفال و نوجوانان، واکنش‌های بازپرورانه، جایگزین‌های حبس، مقام قضایی.

مقدمه

امروزه حقوق کیفری، کودک را به عنوان انسانی مستقل که «شخصیت، روان و جسم وی در حال شکل‌گیری و رشد است و به همین جهت در برابر بزهکاری، کژمداری و بزه‌دیدگی آسیب‌پذیر است» پذیرفته است.^۱ در فرهنگ و ادبیات عامه مراد از «طفل» شخصی است که به واسطه صغر سن، قوای جسمی، فکری و عاطفی وی به حدی رشد نکرده است که بتواند از خود محافظت کند و نیازمند مراقبت از سوی ولی یا سرپرست می‌باشد.^۲ سن بلوغ، سنی است که تغییرات تدریجی کامل شده و بلوغ به طور کامل ظاهر شود. بلوغ عقلی که در ادبیات فقهی و حقوقی ما از آن به «رشد» تعبیر می‌شود، غالباً بعد از بلوغ جسمی اتفاق می‌افتد.^۳ بر اساس ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند. بنابراین سن مسئولیت‌پذیری مقارن با سن بلوغ است که در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است.

با توجه به نظریه‌های جرم‌شناختی و رهیافت‌های رشدمدار، بزهکاری فرآیندی است در طول زندگی بزهکار شکل می‌گیرد؛ بنابراین ضرورت دارد با اطفال و نوجوانان بزهکار از رهگذر رفتاری افتراقی برخورد صورت پذیرد.^۴ از این رو، در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار، علی‌رغم وجود الگوهای مختلف، ضمانت اجرای اجتماعی باید موجب بازسازی و اصلاح شود. رویکرد سزاگرایی به طور کلی با انتقادهای متعددی در این رابطه مواجه شده است از جمله؛ سزاگرایی در مقام ریشه‌یابی علت ارتکاب جرم و وضعیت مجرم نبوده و به اراده آزاد مرتکب در ارتکاب جرم نظر داشته و در تعیین تناسب بین جرم و مجازات به میزان سرزنش‌پذیری رفتار و صدمه وارده توجه می‌کند؛ دوم، سزاگرایی به گذشته نگاه داشته و آینده‌نگر نیست؛ تأثیر اجتماعی کیفر را نادیده گرفته و با توجه به نحوه ارتکاب جرم و بررسی مؤلفه‌های آن، کمتر به ملاحظه‌های اجتماعی در مورد کیفردهی توجه می‌کند. این نظریه برای اثربخشی و کارایی باید با سایر نظریه‌ها در حوزه کیفردهی ترکیب شود.^۵ این انتقادهای، مانع اثربخشی این رویکرد

۱. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، «از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صغار»، دیپاچه در: عباچی، مریم، حقوق

کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، انتشارات مجد، ۱۳۸۰، ص. ۱۰.

۲. مهدوی، محمود، پیشگیری از جرم، انتشارات سمت، ۱۳۹۰، ص. ۶۲.

۳. معاونت آموزش قوه قضاییه، «همایش بررسی نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در مورد

دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان ویژه جمعی از قضات دادگستری استان تهران»، ۱۳۹۲، ص. ۲۵.

۴. محسنی، فرید، «دستاوردهای نظری و عملی جرم‌شناسی رشدمدار»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۶،

۱۳۹۳، صص. ۶۴-۱۶۰.

5. Frase, Richard, "Limiting Retributivism: The Consensus Model of Criminal Punishment", in: Michael Tonry (ed), The Future of Imprisonment in the 21th Century, Oxford University Press, 2003, p. 14.

در تعیین کیفر و واکنش به بزهکاران کودک و نوجوان شده است. به طور خاص توسل به کیفر حبس، به دلیل ناتوانی در اصلاح و درمان بزهکاران، به ویژه در مورد افراد زیر ۱۸ سال و پیامدهای نامطلوب آن، از جمله تثبیت برچسب مجرمانه، حرفه‌ای شدن بزهکار و جذب در گروه‌های مجرمانه، می‌توان نتیجه گرفت که ضرر حبس از فوایدش بیشتر است.^۱

افزایش نرخ بزهکاری کودکان با توجه به تنوع در شکل آن از یک سو و تهدید جامعه از طریق ایجاد احساس ناامنی از سوی دیگر، ارائه سازوکارهایی برای مهار و پیشگیری از این پدیده‌ها را ضروری می‌سازد؛ بنابراین جهت کنترل و مهار بزهکاری کودکان اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه ضروری است.^۲ در فرآیند دادرسی، کودکان بزهکار گاه از موقعیت «کودکی» خود و توجه ویژه‌ای که مقتضی این موقعیت است، به شکل نگران‌کننده‌ای محروم هستند و نیازهای جسمی و روانی آنها نادیده گرفته می‌شود؛ تا جایی که هدف نهایی نظام عدالت کیفری اطفال عموماً بر تنبیه و سزادهی کودکان و نوجوانان بزهکار متمرکز می‌شود. نگرانی دیگر این است که کودکان بزهکار در سراسر جهان به جای برخورداری از اقدامات حمایتی - تربیتی مناسب، در زندان نگهداری می‌شوند و حتی از نظر جسمی و جنسی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. همچنین، کودکان همانند بزرگسالان محاکمه شده و به زندان بزرگسالان انتقال می‌یابند.^۳ چالش‌های مجازات‌های سالب آزادی در خصوص کودکان و نوجوانان بزهکار اهمیت بیشتر پیدا می‌کند زیرا این افراد در دوره‌های مختلف رشد خود نیاز به مراقبت، محبت و حمایت والدین خود دارند و جدا کردن آنها از بستر خانواده، مدرسه و محیط بازی مساوی است با انقطاع در رشد رفتاری و شخصیتی آنها؛ همچنین این افراد و محیط‌ها نقش اساسی در شکل‌دهی به شخصیت اجتماعی کودکان بر عهده دارند.^۴ اگر قاضی بتواند بدون توسل به روش‌های سزاگرایانه این مسأله را حل کند در واقع توانسته است صلح و آرامش واقعی را به جامعه و خانواده کودک بزهکار بازگرداند. گاهی در حین محاکمه کودکی به این نتیجه می‌رسیم که کودک متوجه اشتباه خود شده و حاضر است کاری انجام بدهد تا خسارت وارده جبران شود. این کار در مراحل مختلفی قابل انجام است. گاه در مرحله اول، قبل از تشکیل پرونده، موضوع حل و فصل می‌شود.

۱. گودرزی، محمدرضا، «نارسایی‌های زندان»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی الهیات و حقوق، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۰.

۲. عباچی، مریم، «پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۷، ۱۳۸۳، ص. ۵۰.

۳. مهرا، نسرين، «عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین‌الملل»، تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸، ۱۳۸۲، ص. ۵۵.

۴. همان، ص. ۱۶.

یا مرحله دوم، در حین دادرسی این اتفاق رخ می‌دهد. گاه نیز در مرحله سوم، کودکان و نوجوانان را مجرم شناخته و از آنها می‌خواهیم تعهداتی را انجام دهند (تعلیق مراقبتی) و در مرحله چهارم، از تعویق صدور حکم یا سایر نهادها استفاده می‌شود.^۱

نظریه برچسب‌زنی بر این باور است که عدالت سزادهنده با تنبیه فرد زیر هجده سال در فرایند پاسخ رسمی به رفتار نوجوانان، آنها را وارد فرایند بدنام‌سازی نموده، به آنها «انگ مجرمانه» زده و گرفتار هویت برگشت‌ناپذیری می‌نماید که در نهایت به آنها هویت مجرمانه جدیدی می‌بخشد. با توجه به اهمیت دوران کودکی و نوجوانی، پاسخ رسمی نظام عدالت سزادهنده به افراد زیر هجده سال سبب تثبیت حیات مجرمانه آنها می‌شود. از این روی از منظر جرم‌شناسی رشدمدار، بهترین پاسخ برای این گروه از نوجوانان استفاده از ابزارهای کنترل غیررسمی است. در رویکرد برچسب‌زنی، بزهکاری محصول تعاریفی است که نظام کیفری در شناسایی رفتارهای مخالف منافع گروه حاکم، که ابزارهای قدرت را در اختیار دارند، به کار می‌گیرد. از این منظر، نظام کیفری می‌تواند نقش مهمی را در هویت‌بخشی به نقض‌کنندگان نظم عمومی در شبکه کنترل اجتماعی و توسعه این شبکه، ایفا نماید.^۲ جرم‌شناسی واکنش اجتماعی با توجه به نوع تبیینی که از بزهکاری ارائه می‌دهد، برنامه‌هایی را برای پیشگیری و کنترل جرم پیشنهاد می‌دهد. در نگاهی اجمالی، قضازدایی، جرم‌زدایی، نهادزدایی و کاهش روش‌های رسمی پاسخ‌دهی از عمده‌ترین راهکارهای مورد نظر در این رویکرد است.^۳

این رویکرد به منظور پیشگیری از تمایل جوانان به بزهکاری از تدابیری متنوعی استفاده می‌کند، از جمله عدم مداخله بنیادین یا کمترین مداخله نظام کیفری،^۴ قضازدایی، اعمال برنامه‌های اصلاحی و بازسازگاران، پاسخ‌دهی در شبکه‌های غیر رسمی با مشارکت پلیس، مددکاران، اعضای خانواده و مدرسه. هدف از اجرای چنین برنامه‌هایی جلوگیری از بدنام‌سازی نهادی و ساختاری است که اثری پایداری بر زندگی اجتماعی نوجوانان می‌گذارد.^۵ برنامه‌های پیشنهادی نظریه برچسب‌زنی در بزهکاری اطفال و نوجوانان عبارت است از حبس‌زدایی از جرایم جوانان در معرض خطر، از بین

۱. وینتر، رناته، «مجازات‌های جایگزین در مورد اطفال بزهکار»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۱۸ و ۱۷، ۱۳۷۹، ص. ۱۶۲.
۲. عظیم‌زاده، شادی، جرم‌شناسی تطبیقی پایداری در بزهکاری در حقوق ایران و آمریکا، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۰، ص. ۲۰۲.
۳. همان، ص. ۲۰۵.
۴. غلامی، حسین، «اصل حداقلی بودن حقوق جزا»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۱، صص. ۴۴-۴۷.
۵. ویلیامز، فرانک پی؛ مک شین، ماری لین دی، نظریه‌های جرم‌شناسی، مترجم حمیدرضا ملک محمدی، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۰.

بردن سوابق رسمی بزهکاری رسمی آنان، عدم پاسخدهی رسمی نظام کیفری در جرایم افراد زیر هجده سال و اجرای تدابیر شرم‌سارکننده^۱ که قانون‌گذار ایران نیز در تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به برخی از آنها نظر داشته است.

دادرسی افتراقی بزهکاری کودک در قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۰۴) نیز تا حدی پیش‌بینی شده بود. هر چند در گذر زمان به بوته فراموشی سپرده شده بود و با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال (مصوب ۱۳۳۸) و تشکیل قانون اصلاح و تربیت، دوباره مورد توجه قرار گرفت. بعد از انقلاب اسلامی، برای رفع خلا موجود، قانون جامعی تصویب نشد تا اینکه لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان توسط قوه قضاییه تدوین^۲ و تقدیم مجلس شد که پس از طی روندی طولانی در حال حاضر کلیات آن تصویب و در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است. قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) حاوی نوآوری‌ها و تحولات چشمگیری در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان است. برخی از این نوآوری‌ها جنبه ماهوی داشته و برخی دیگر ناظر به موضوع‌های شکلی هستند. نوآوری‌های ماهوی درباره مسئولیت کیفری به نحوی است که رژیم خاصی از مسئولیت تدریجی و در برابر آن ضمانت اجرای تدریجی از مسئولیت را برای جرایم تعزیری پذیرفته است.^۳ در رابطه با مجازات‌ها علاوه بر ایجاد تناسب بین ضمانت اجرای کیفری با رشد عقلی بزهکار، امکان تبدیل واکنش‌های تنبیهی به واکنش‌های اجتماعی و بازسازگارانه نیز فراهم شده است. از نظر شکلی نیز نوآوری‌های مختلفی، چه در مرحله تحقیق و تعقیب و چه در مرحله رسیدگی هم از حیث ساختاری و هم از لحاظ فرایندی، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است.^۴

در این مقاله، از رهگذر روشی کمی و با استفاده از داده‌های آماری، میزان تمایل دادستان‌ها و قضات در بهره‌گیری از سازوکارهای نوین در مرحله تعقیب و مرحله رسیدگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مطالعه نشان می‌دهد که در طول یک سال مورد بررسی، قضات محترم علاقه‌ای به استفاده از سازوکارهای نوین نداشته و در کیفردهی بیشتر به نهادهای سنتی متوسل شده‌اند. این امر علاوه بر متروک کردن

1. Crawford, A; Newburn, T, Youth Offending and Restorative Justice: Implementing Reform in Youth Justice, Willan Publishing, 2003, p. 216.

۲. ر.ک: جمشیدی، علیرضا، «گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضایی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲.

۳. ر.ک: فتاحی، حجت‌الله، «مسئولیت کیفری اطفال با رویکردی به لایحه قانون مجازات اسلامی»، حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۸۸.

۴. ر.ک: میرکمالی، سیدعلیرضا؛ حسینی، انسیه، «دادرسی افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ۷، شماره ۲، ۱۳۹۵.

نوآوری‌های تقنینی مندرج در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، پیامدهای جرم‌زایی نیز به همراه خواهد داشت؛ از جمله تسهیل و تسریع ورود نوجوان به حیات مجرمانه و تثبیت برجسب مجرمانه از سوی نظام عدالت کیفری و افزایش جمعیت کیفری زندان. از جمله دلایل کم‌توجهی قضات که خود مستلزم انجام پژوهشی کیفی مستقلی است، می‌توان به خلأهای اجرایی قانون در لزوم پرونده شخصیت که منتهی به عدم رعایت اصل فردی کردن مجازات در دادرسی اطفال و نوجوانان شده است، فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم در راستای اجرایی کردن این نهادهای نوین، حجم انبوه شکایت‌های کیفری و پرونده‌های مطروحه در دادگاه در خصوص جرایم اطفال و نوجوانان نام برد. توجه به عوامل مؤثر در ارتکاب بزه، شرایط محیطی و شخصیت بزهکار در هنگام صدور حکم و استفاده از افراد متخصص در مدت اجرای حکم با برنامه‌هایی مدون در امور مختلف اصلاح و تربیت و درمان و همچنین استفاده از مشاوران روان‌شناس، جرم‌شناس و جامعه‌شناس در مراحل مختلف فرایند عدالت کیفری و تأمین کارآمد نهادهای نوین قانون مجازات اسلامی و علاقمند شدن قضات به کاربرد این نوآوری‌ها با لحاظ این که تأمین اهداف مجازات‌ها صرفاً با ارباب و تهدید توأم نمی‌باشد، از جمله زمینه‌های مفیدی است که می‌تواند به اجرایی شدن این تحولات تقنینی در نظام قضایی، کمک مؤثری نماید.

۱. به سوی عدالت غیر تنبیهی در بزهکاری کودکان و نوجوانان

قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ با اختصاص فصلی تحت عنوان مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان اراده خود را در رابطه با تحقق دادرسی افتراقی به منصفه ظهور رساند. قانون‌گذار علاوه بر اطفال از نوجوانان بزهکار نیز سخن به میان آورده است که خود نشان‌دهنده توجه قانون‌گذار به وضعیت خاص نوجوانان بوده است. هر چند موضع قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در خصوص اماره قانونی سن بلوغ تغییری نکرده اما حداقل دو تغییر قابل توجه در این حوزه رخ داده است. نخست آنکه دو نظام متفاوت برای جرایم تعزیری و سایر مجازات‌ها در نظر گرفته شده و دیگر آن که در حوزه جرایم تعزیری، بر اساس نوع جرم ارتكابی و گروه سنی مرتکبان، واکنش‌های متفاوتی پیش‌بینی شده است.^۱ از لحاظ علمی، تعیین سن مشخصی نه تنها برای بلوغ، بلکه برای مسئولیت کیفری یا حتی رشد، قابل انتقاد است؛ زیرا مؤلفه‌های مختلفی در تکوین و تکامل جسمی، عقلی، عاطفی، روحی و حتی جنسی انسان، به

۱. صبوری‌پور، مهدی؛ علوی‌صدر، فاطمه، «سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره اول، ۱۳۹۴، ص. ۱۸۱.

ویژه در دوران کودکی و نوجوانی، دخالت دارند.^۱ تعیین مجازات و مسئول شناختن نوجوانان بدون توجه به ویژگی‌های جسمی، عقلی، عاطفی و روحی آنان و تنها بر اساس رسیدن به سن معینی، شاید از لحاظ قضایی موجب تسهیل رسیدگی کیفری باشد، اما در واقع امر، چشم‌پوشی از حقیقت و دور شدن از اهداف حقوق کیفری و مجازات‌هاست. حتی قاعده فقهی «قبح تکلیف بما لا یطاق» خود بیانگر این است که آنچه بر فرد تکلیف می‌شود می‌بایست در حد توان و طاقت وی باشد و بی‌توجهی به آن قبیح و ناپسند است.^۲ به نظر می‌رسد منظور از قدرت تحمل بار مسئولیت کیفری و مجازات در قاعده عدم مشروعیت تکلیف به غیر مقدر، قدرت عقلی طفل در تشخیص عمل متخلفانه و قبح ارتکاب آن است. بنابراین نمی‌توان به منظور حصول علم به قدرت طفل در خصوص عمل ارتكابی صرفاً به آحاد روایات مربوط به سن بلوغ اکتفا کرد بلکه باید علم یقینی به بلوغ طفل و قدرت عقلی او در تشخیص حسن و قبح اعمال حاصل شود. بنابراین بر اساس این قاعده فقهی نیز شرط تحمیل آثار کیفری جرم و مسئولیت کیفری، تحقق قدرت عقلی طفل است.^۳ تجربه نظام‌های کیفری دیگر نیز این موضوع را تایید می‌کند؛ در نظام حقوقی انگلستان^۴ سن مسئولیت کیفری ۱۸ سال تمام می‌باشد و کودکان زیر ده سال فاقد هر گونه مسئولیت کیفری می‌باشند. کودکان بین سن ۱۰ تا ۱۴ و ۱۴ تا ۱۸ سال، به منظور تحقق مسئولیت کیفری، دادستان باید عنصر مادی و عنصر روانی جرم را اثبات نماید.^۵

از بین بردن تفاوت حداقل سن مسئولیت کیفری بین دختران و پسران در جرایم تعزیری و نیز توسعه اختیارات قضایی برای اسقاط مجازات‌های حد و قصاص در مورد مرتکبان زیر هجده سال از جمله گام‌هایی است که این قانون در راستای رسیدن به یک نظام مطلوب مسئولیت کیفری اطفال برداشته است.^۶ از طرفی ارائه اقدامات تأمینی و تربیتی به طور خاص و مشخص نمودن آنها گام دیگری جهت امکان استفاده بهتر قضات در راستای اصل قانونی بودن جرم و مجازات (اقدامات تأمینی و تربیتی) در نظر گرفته می‌شود. در نهایت می‌توان از تحول نگرش قانون‌گذار نسبت به جرایم حدود و

۱. نجفی توانا، علی، بزهکاری و نابهنجاری اطفال، تهران، انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۲، ص. ۱۶.
۲. میرمحمدصادقی، حسین؛ محمدی، منصوره، «بررسی سن مسئولیت کیفری اطفال در ادوار قانون گذاری ایران و فقه جزایی اسلام»، کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان، کرمان، بهمن ۱۳۹۲، ص. ۷.
۳. خدایاری، زهرا، بازخوانی سن مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران در پرتو فقه و استانداردهای حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۱، ص. ۴۶.
۴. رک: مهرا، نسرین، «نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان در انگلستان و ولز»، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۶، ۱۳۸۶.
۵. میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، چاپ هفتم، تهران، میزان، ۱۳۸۹، ص. ۲۴۷.
۶. صبوری پور، مهدی؛ علوی صدر، فاطمه، منبع پیشین، ص. ۱۹۱.

قصاص یاد کرد. به طور مشخص قانون‌گذار در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با وجود دو شرط شبهه در کمال عقل و درک نکردن حرمت فعل ارتكابی توسط نوجوانان و از طرفی رسیدن به سن بلوغ تا ۱۸ سالگی مجازات‌های سنگینی چون اعدام را نیز قابل حذف دانسته است که البته این مورد مهم گامی است در راستای تطبیق فعل مجرمانه و شخصیت نوجوان است که در اختیار قاضی دادگاه است. قانون‌گذار در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ تحولی جدی در واکنش کیفری نسبت به نوجوانان مرتکب جرایم مستوجب حد یا قصاص ایجاد کرده است. این ماده سه وضعیت را به عنوان عامل سقوط حد یا قصاص معرفی کرده است و قاضی را مکلف کرده که در این موارد مرتکب را به جای حد یا قصاص بر اساس گروه سنی وی به یکی از مجازات‌های تعزیری این فصل (فصل نهم) محکوم کند. این سه وضعیت نیز عبارتند از: الف) عدم درک ماهیت جرم ارتكابی توسط مرتکب ب) عدم درک حرمت جرم ارتكابی توسط مرتکب ج) شبهه در رشد یا کمال عقل مرتکب.^۱ با توجه به تنوع تدابیر پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، این امکان برای دادگاه‌ها وجود دارد تا جهت رسیدن به اهداف اصلاحی از ابزارهای مختلفی استفاده نمایند. حتی در خصوص اقدامات تأمینی نیز قانون‌گذار با احراز جهات تخفیف اعلام نموده قاضی دادگاه می‌تواند اقدام تأمینی و تربیتی را به اقدام دیگری تبدیل نماید که این نشانگر نگرش قانون‌گذار در جهت تنوع بخشی به تدابیر اتخاذی نسبت به اطفال و نوجوانان است.

۱-۱. تحولات تقنینی پاسخ‌دهی اصلاحی به بزهکاری کودکان و نوجوانان

۱-۱-۱. تحولات پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

در موضوع بزهکاری اطفال و نوجوانان، پیش از انقلاب اسلامی، سیاست جنایی تقنینی براساس مواد ۳۴ تا ۳۹ قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴، حاکی از نوعی نگرش افتراقی به جرایم اطفال بوده است.^۲ ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه اطفال مصوب ۱۳۳۸ برای اطفال تا ۶ سال تمام عدم مسئولیت مطلق کیفری کامل پیش‌بینی و آنان را قابل تعقیب جزایی نمی‌دانست و اطفال ۶ تا ۱۸ سال را به دو گروه ۶ تا ۱۲ سال و ۱۲ تا ۱۸ سال تقسیم می‌کرد. بدین نحو که در مورد اطفال ۶ تا ۱۲ سال هر چند عدم مسئولیت کیفری را نپذیرفته بود، ولی به نوعی برای آنان عدم مسئولیت نسبی کیفری مقرر می‌داشت و در صورت ارتکاب جرم، تدابیر حمایتی و تربیتی را بدون آنکه جنبه

۱. همان، ص. ۱۹۴.

۲. مؤذن‌زادگان، حسنعلی، «سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲-۶۳، ۱۳۸۷، صص. ۲۳-۲۲.

مجازات داشته باشد در مورد آنان اعمال می‌کند. اطفال ۱۲ سال به بالا تا سن ۱۸ سال نیز به دو گروه تقسیم می‌شدند: اطفال ۱۲ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال؛ و در صورت ارتکاب جنایت (قتل) اعزام به بخش زندان کانون اصلاح و تربیت در نظر گرفته می‌شد و در جنایاتی که مجازات آنها اعدام یا حبس ابد بود مدت زندان کمتر از دو سال نبود. در واقع می‌توان گفت، در صورتی که تربیت و اعزام به کانون را تدابیر اصلاحی و بازپروری تلقی کنیم، اطفال در نظام جزایی سابق ما تا ۱۸ سالگی فاقد مسئولیت کیفری بودند و جز در مورد جنایت - آن هم با مجازات تعدیل یافته - قابل مجازات کیفری نبودند. به نظر می‌رسد در مقام مقایسه حتی با قوانین فعلی بسیاری از کشورها، قانون مذکور پیشرفته‌تر و دارای امتیازات مثبت فراوان برای اطفال بوده است.

این در حالی است که با وصف پذیرش عدم مسئولیت مطلق کیفری، مقنن امکان رسیدگی به جرائم اطفال نابالغ را نیز در ذیل ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی کرده و حتی امکان تربیت و نگهداری آنها را در کانون اصلاح و تربیت (موسسه‌مداری) و مهم‌تر از آن وفق تبصره ۲ همان قانون تنبیه بدنی وی را بدین منظور مقرر داشته است. تنبیه بدنی که عرفاً نوعی مجازات و شامل اعمال نوعی رنج جسمانی با شی خارجی اعم از چوب، شلاق، کمر بند و ترکه نازک و سیلی و غیره است و البته در طبقات اجتماعی و فرهنگی مختلف مفاهیم متفاوتی دارد^۱ در قوانین موضوعه ما صرفاً محدود به قاعده «میزان و مصلحت» شده است: معیاری که در نزد خانواده‌های مختلف حدود و ثغور متفاوتی می‌تواند بیابد. متأسفانه مقنن در قانون جدید، تنها رادع و مانع قانونی ممکن را که در تبصره ۳ ماده ۲۶ قانون حدود و قصاص سال ۱۳۶۱ پیش‌بینی و بر اساس آن «...تنبیه نمی‌بایستی به گونه‌ای باشد که دیه به آن تعلق گیرد» را نسخ کرده است.^۲ حال آنکه حتی قانون مدنی نیز در ماده ۱۱۷۹ اعمال تنبیه توسط والدین را در خارج از حدود تادیب متعارف، با توجه به شرایط کودک ممنوع اعلام کرده است. بی‌توجهی به سرنوشت اطفال به همین جا خاتمه نمی‌یابد. مقنن در موارد دیگری نیز حتی در تضاد با اصل عدم مسئولیت مطلق کیفری اطفال، مصرح در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، کودکان نابالغ را در مورد برخی افعال قابل مجازات دانسته است. ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «هرگاه نابالغ، نابالغ دیگر را وطی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شود مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد». همه می‌دانیم که کودک نابالغ فاقد توانایی برای ارتباط

۱. انجم شعاع، محمد مهدی، «تنبیه بدنی کودکان در پرتو سیاست جنایی حکومت دینی»، حقوق بشر، جلد ۶،

شماره ۲، ۱۳۹۰، صص. ۵۵-۵۳.

۲. نجفی توانا، علی، «سن مسئولیت کیفری اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین‌المللی»، فصلنامه مدرس علوم

انسانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۳۰.

جنسی است و اگر در مواردی در عالم کودکی و تحت تأثیر محیط خانواده یا رسانه‌ها - در واقع به عنوان قربانی تأثیرات محیط - برای بازی یا ارضای حس کنجکاوی چنین حرکاتی از خود بریزد، نمی‌توان او را مرتکب چنین جرمی تلقی و به دادرسی جلب و به مجازات محکوم کرد. اعمال این سیاست کیفری در مورد اطفال با لحاظ مقتضیات سنی و علمی و اجتماعی به هیچ وجه پذیرفتنی نیست و اصولاً منطق اجتماعی و تربیتی نمی‌تواند پذیرای چنین برخوردی، آن هم برای اطفال نابالغ که معمولاً فاقد قدرت تشخیص منطقی و عقلی کافی و نیز تمیز فردی و اجتماعی هستند، باشد. ممنوعیت اعمال تنبیه نسبت به کودکان به ویژه اطفال نابالغ به ویژه اطفال نابالغ و کم سن و سال در اسناد مهم بین‌المللی نیز، که ایران نیز به اغلب آنها ملحق شده است، بارها مورد تأکید قرار گرفته است.^۱ اعلامیه حمایت از کلیه اشخاص در برابر شکنجه و سایر رفتار یا تنبیهات ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز؛ عهدنامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مواد ۶ و ۷) پیمان‌نامه حقوق کودک (مواد ۳۷ و ۴۰) و مقررات پکن (ماده ۱۷) در مورد این حداقل حقوق، مصوبات روشن و تعریف شده‌ای دارند. تعیین حداقل سن عدم مسئولیت مطلق کیفری، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت تنبیه بدنی، ممنوعیت مجازات‌های کیفری برای اطفال تا حد سنی مشخص و ممنوعیت اعمال مجازات‌های سنگین حتی برای اطفالی که دارای سن رشد جزایی هستند از مفاد اسناد بین‌المللی محسوب می‌شوند. جالب‌تر آنکه قطع‌نامه آخرین کنگره بین‌المللی حقوق جزا (پکن) با تعیین ۱۴ سالگی به عنوان سن عدم مسئولیت کیفری تأکید می‌کند که برای اطفال کمتر از این سن در صورت ارتکاب جرم صرفاً اقدامات تربیتی اعمال شود.^۲

۱-۲. تحولات مربوط به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

رویکرد نوین مواجهه با بزهکاری اطفال، رویکردی مبتنی بر اصول حاکم بر «برنامه‌های اصلاحی و بازسازگاران» بوده است. قانون‌گذار در این رویکرد جدید سعی نموده که پاسخ‌های کیفری به بزهکاری اطفال را با استفاده از راه‌حل‌های مختلف تعدیل نماید و در این رابطه پاسخ‌های کیفری تعدیل یافته چون اعطای فرصت به طفل و یا نوجوان از طرقی همانند «تعلیق تعقیب» و «تعویق صدور حکم» و «تعلیق اجرای حکم» یا به شکل پیش‌بینی کیفرهای تخفیف‌یافته، بهره جوید.^۳ قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ رویکرد تربیتی و اصلاحی در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان وضع نموده

۱. ر.ک: اردبیلی، محمدعلی، «حمایت‌های بین‌المللی از اطفال و نوجوانان بزهکار»، تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵، ۱۳۷۸.

۲. نجفی توانا، علی، «سن مسئولیت کیفری اطفال در مقررات داخلی و بین‌المللی»، منبع پیشین، ص. ۱۳۱.

۳. جمشیدی، علیرضا، منبع پیشین، ص. ۶۲.

است که موجد تحولات چشمگیری شده است. از مهم‌ترین این تحولات تقنینی سال ۹۲ می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

در ماده ۸۱ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۹۲ قرار تعلیق تعقیب و شرایط آن به صراحت بیان شده است. قانون‌گذار در ماده ۸۰ از قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ شرایط قرار بایگانی شدن پرونده را بیان نموده است. این تصمیم هم به متهمی که برای اولین بار مرتکب جرم شده فرصت بازسازی می‌دهد و هم سبب می‌شود پرونده‌ها در ابتدای ورود بدون اینکه در مراحل تحقیق، تعقیب و محاکمه قرار گیرند از گردونه خارج شوند.

میانجی‌گری و سازش از جمله تدابیر «قضادایی» می‌باشد و قانون‌گذار در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) شرایط صدور قرار ارجاع به میانجی‌گری را برشمرده است. قرار تعویق صدور حکم در ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) به دو صورت ساده و مراقبتی بیان شده است. ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی به قرار تعلیق اجرای مجازات اختصاص دارد. همچنین در این قانون، قانون‌گذار با رویکرد حمایتی مواد ۸۸ و ۸۹، اقدامات تأمینی و تربیتی را برشمرده است؛ ماهیت اصلی این تدابیر جنبه اصلاح و تربیت داشته و از انگیزه انتقام‌جویی و مجازات به دور است. ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص افرادی که در گروه سنی ۹ تا ۱۵ سال قرار دارند و مرتکب جرایم تعزیری درجه شش تا هشت شوند اذن تسلیم به والدین با تعهدات معین، نصیحت توسط قاضی، اخذ تعهد به عدم تکرار جرم، تسلیم به اشخاص حقیقی و حقوقی را برشمرده است. هدف اصلی خدمات عمومی رایگان «بازیکپارچگی اجتماعی مجرم» است. به همین منظور نیز، یکی از مهم‌ترین کارهای قضات، تضمین سازگاری مجرم، مجرم و محکومیت صادره با اصول و مبانی حاکم بر مجازات‌هاست.

قانون‌گذار در ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از خدمات عمومی نام برده است. ماده ۸۹ از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در جرایم تعزیری نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی میزان ساعات خدمات عمومی را بدین شرح بیان نموده: «جرم تعزیری درجه ۵ از ۱۸۰ تا ۷۲۰ ساعت، جرم تعزیری درجه ۶ از ۶۰ تا ۱۸۰» و در تبصره ۱ همان ماده تصریح شده است که «ساعت ارائه خدمات عمومی بیش از ۴ ساعت در روز نمی‌باشد». ماده ۸۹ از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در بندهای پ و ت در خصوص نوجوانان که مرتکب جرم تعزیری درجه پنج تا هشت شوند و سن آنها در زمان ارتکاب جرم بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است جزای نقدی را به عنوان جایگزین حبس در کانون اصلاح و تربیت مقرر نموده است. حبس خانگی در معنای واقعی خود سلسله ضمانت اجراهای محدود کننده‌ای است که از تحمیل منع رفت‌وآمد

شبانه تا حبس در منزل را دربرمی‌گیرد؛ هر چند حبس خانگی ضرورتاً با نظارت الکترونیکی همراه نیست.^۱ قانون‌گذار ایران در تبصره ۲ ماده ۸۹ از قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) به حبس در منزل برای نوجوانان بین سنین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی پرداخته است. در آلمان نیز، برای صغاری که مرتکب جرائم کوچک و سبک می‌شوند قضات کیفری اجازه دارند این مجازات را به حبس‌های یک تا شش «تعطیل آخر هفته» تبدیل کنند. این گونه توقیف‌ها جنبه تربیتی داشته است.^۲ قانون‌گذار ایران نیز نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته را در تبصره ۲ ماده ۸۹ وارد قوانین کیفری نموده است. قانون‌گذار در ماده ۹۰ از قانون مجازات اسلامی موارد تبدیل مجازات حبس و جزای نقدی را تصریح نموده است. ماده ۹۰ این قانون امکان تجدیدنظر در تصمیم و حکم را به قاضی دادگاه اطفال داده است. این امر در راستای اصل شخصی کردن مجازات‌ها و فلسفه دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان یعنی آموزش و اصلاح آنان است و از همین رو مستلزم تشکیل پرونده شخصیت و توجه به تفاوت‌ها و وضعیت تربیتی طفل و نوجوان بر اساس آورده‌های جرم‌شناسی و روان‌شناسی است.^۳

ماده ۵۷ از قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) شرایط نظام آزادی مشروط را بیان می‌کند. با توجه به قسمت ذیل ماده ۹۰ قانون مزبور، آزادی مشروط جهت اطفال نیز قابل اعمال است. امحاء سابقه مجرمانه از سجل کیفری بزهکاران زیر ۱۸ سال در ماده ۹۵ از قانون مجازات اسلامی ۹۲ با رویکرد جرم‌شناختی و جهت جلوگیری از زدن انگ مجرمانه به کودکان و ایجاد اختلال در فرایند جامعه‌پذیری آنها وضع شده است و راجع به تمامی مجازات‌های جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان می‌باشد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از دو نوع متغیر برای دستیابی به اهداف مطالعه استفاده شده است؛ متغیر وابسته و متغیر مستقل. در این پژوهش متغیر وابسته، انواع تصمیماتی است که مقام قضایی در مرحله دادرسی، دادگاه و اجرای احکام متناسب با شرایط جرم و شخصیت بزهکاران زیر ۱۸ سال اتخاذ نموده‌اند. این آراء با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تحولات نوین تقنینی مربوط به این قانون صادر شده‌اند. متغیرهای مستقل، متغیرهایی هستند که تغییراتی را در متغیرهای دیگر موجب

۱. آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، نشر گرایش، ۱۳۸۲، ص. ۳۹۲.

۲. صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۲.

۳. معاونت آموزش قوه قضاییه، منبع پیشین، ص. ۹۲.

می‌شوند؛ به این مفهوم که ارزش متغیرهای وابسته تحت تأثیر متغیرهای مستقل قرار می‌گیرد.^۱ در این پژوهش مولفه‌هایی از جمله سن، جنسیت، تحصیلات، نوع جرم از مصادیق متغیرهای مستقل‌اند. بزهکاران زیر ۱۸ سال متغیرهای مستقل اثرگذار بر تصمیم مقام قضایی هستند.

در این پژوهش با مراجعه به محاکم اطفال شهر تهران، آرای صادره به استناد به قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ - ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفتند و پس از مطالعه آراء و پرونده‌ها، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آنها شده است. پس از انتخاب نمونه آماری از محتوای پرونده‌های محاکم اطفال و جمع‌آوری اطلاعات مرتبط، اطلاعات گردآوری شده، تحلیل و نتیجه‌گیری شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۲۰۴ رای صادره در این خصوص می‌باشد. اطلاعات مربوط به آراء مطالعه شده به واسطه پرسش‌نامه استخراج شده است؛ پرسش‌نامه این پژوهش از نوع پرسش‌نامه با پاسخ‌های ثابت است؛ یعنی پرسش‌نامه‌ای که از فهرست معینی از پاسخ‌های متناوب تشکیل شده است و در آن پرسش‌ها باز گذاشته نشده است بلکه پژوهشگر باید گزینه مربوط را گزینش کند.

روش نمونه‌گیری تصادفی بوده است و به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، از روش تجزیه تحلیل توصیفی و مقایسه‌ای بهره گرفته شده است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. در نمونه‌گیری تصادفی ساده، شانس انتخاب هر مورد در هر مرحله از انتخاب نمونه برای کلیه آراء باقی مانده، مساوی و مستقل از هم می‌باشد. اگر مورد انتخاب شده، مجدداً در معرض انتخاب قرار گیرد، نمونه‌گیری را با جایگذاری ادامه می‌دهند.^۲ ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از شاخص‌های آماری توصیفی اعم از فراوانی و درصد هر متغیر در جامعه آماری بدست می‌آید و سپس از طریق نمودارهای مربوطه نمایش داده می‌شوند. همچنین این داده‌ها با یکدیگر مقایسه شده و در قالب آزمون کای‌دو ارتباط معناداری هر یک از متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. مجموعه آماری پیش‌رو متشکل از ۲۰۴ رأی صادره دادسرا در محاکم عمومی اطفال و نوجوانان و محاکم کیفری استان و اجرای احکام در شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۳ - ۱۳۹۲ می‌باشد. ابتدا پس از حضور در مراجع قضایی (با هماهنگی و

۱. جامبیون، دین جان، روش تحقیق در عدالت کیفری و جرم‌شناسی، ترجمه علی شایان، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۵، ص. ۹۴.

۲. ملک افضلی، حسین؛ نهایتیان، وارنکس؛ کاظم، محمد، روش‌های آماری و شاخص‌های بهداشتی، انتشارات فروزش، ۱۳۸۹، ص. ۷۸.

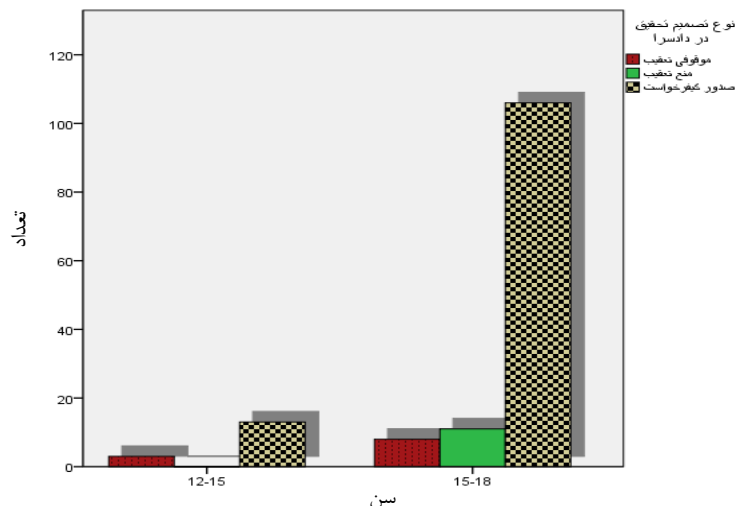
اخذ مجوز لازم از مراجع مربوطه)، آراء محاکم، با توجه به موانع موجود، در طول یک ماه جمع‌آوری شده است.

به منظور دستیابی به نتایج عملی‌تر پس از بررسی نظام کیفری افتراقی افراد زیر ۱۸ سال با انتخاب جامعه آماری متشکل از آراء محاکم کیفری و دادسرای ویژه اطفال شهر تهران میزان تمایل مقام‌های محترم قضایی به تحولات تقنینی نوین صورت گرفته و میزان همگرایی و همسویی نهاد عدالت کیفری با این تحولات مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعه با استفاده از شاخص‌های آماری توصیفی، آزمون‌های معناداری به تعیین میزان رابطه معنادار متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته پرداخته است. داده‌های این پژوهش از مطالعه آراء صادره هر یک از پرونده‌ها در قالب پرسش‌نامه تنظیمی گردآوری شده است. پرسش‌نامه مذکور در شش سطح طراحی و تکمیل شده است. قسمت اول پرسش‌نامه مربوط به سن، جنسیت، تحصیلات، نوع جرم اتهامی، نوع جرم محکوم شده و نوع جرم می‌باشد (در فرایند تحقیق هیچ پاسخ دقیقی برای میزان تحصیلات یافت نشد). قسمت دوم مربوط به تصمیمات اخذ شده در خصوص اطفال و نوجوانان در دادسرای ویژه آنان است. قسمت سوم، مربوط به نوع تصمیمات دادگاه، قسمت چهارم، انواع اقدامات تأمینی تربیتی، قسمت پنجم، نوع مجازات در حدود و قصاص و قسمت آخر در خصوص اجرای احکام است.

پس از جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها به منظور تجزیه و تحلیل‌های آماری از نرم افزارهای spss و Excel استفاده شده است. برای رفع ابهام مطالعه آراء، ابتدا آگاهی لازم به مقام قضایی ارائه شد و انتخاب نمونه‌ها به صورت تصادفی انجام گرفته است. تعداد نمونه‌های لازم در محاکم مربوطه و در شعبه تخصصی جمع‌آوری شده است. به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش، هر گونه مشخصات فردی که نشان‌دهنده هویت افراد در آراء می‌باشد، محرمانه و ناشناس باقی مانده و ذکر آنها در این تحقیق بدون ذکر هر گونه اطلاعات فردی بوده است.

۳. توصیف داده‌ها

با بررسی ۲۰۴ رای صادره در خصوص جرایم محکوم شده دختران و پسران ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی آراء صادره مربوط به ایراد صدمه بدنی عمدی (۱ نفر دختر و ۳۳ نفر پسر)، زنای به عنف (۱۳ نفر دختر و ۱۱ نفر پسر)، سرقت مستوجب تعزیر (فقط ۲۰ نفر پسر)، سرقت مقرون به آزار (۳ نفر دختر و ۹ نفر پسر)، شرب خمر (۲ نفر دختر و ۹ نفر پسر) و لواط (فقط ۱۰ نفر پسر) می‌باشد. نمودار ذیل مربوط به سن بزهکار و نوع تصمیم در مرحله تحقیق در دادسرا می‌باشد.

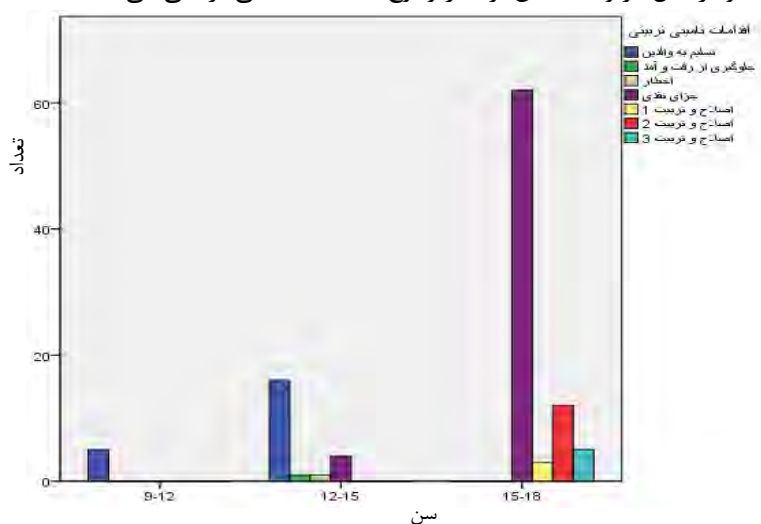


جدول توزیع فراوانی نوع تصمیم قضایی دادسرا در آراء مطالعه شده بر حسب سن

		سن		جمع	
		12-15	15-18		
نوع تصمیم قضایی	موقوفی تعقیب	فراوانی	3	8	11
		درصد در نوع تصمیم قضایی	27.3%	72.7%	100.0%
		درصد در سن	18.8%	6.4%	7.8%
	منع تعقیب	فراوانی	0	11	11
		درصد در نوع تصمیم قضایی	.0%	100.0%	100.0%
		درصد در سن	.0%	8.8%	7.8%
	صدور کیفرخواست	فراوانی	13	106	119
		درصد در نوع تصمیم قضایی	10.9%	89.1%	100.0%
		درصد در سن	81.3%	84.8%	84.4%
جمع	فراوانی	16	125	141	
	درصد در نوع تصمیم قضایی	11.3%	88.7%	100.0%	
	درصد در سن	100.0%	100.0%	100.0%	

انواع تصمیمات مقام تحقیق در دادسرا عبارتند از قرار موقوفی تعقیب، قرار منع تعقیب و صدور کیفرخواست در گروه‌های سنی ۱۲-۱۵ و ۱۵-۱۸ سال. ملاحظه می‌شود که بیشترین تصمیم مربوط به صدور کیفرخواست در گروه سنی ۱۵-۱۸ سال است. به نظر می‌رسد هر چه سن بزهکاران بالاتر می‌رود میزان تمایل مقام قضایی برای صدور کیفرخواست در دادسرا بیشتر می‌شود.

نمودار ذیل مربوط به سن بزهکار و نوع اقدامات تأمینی تربیتی می‌باشد.

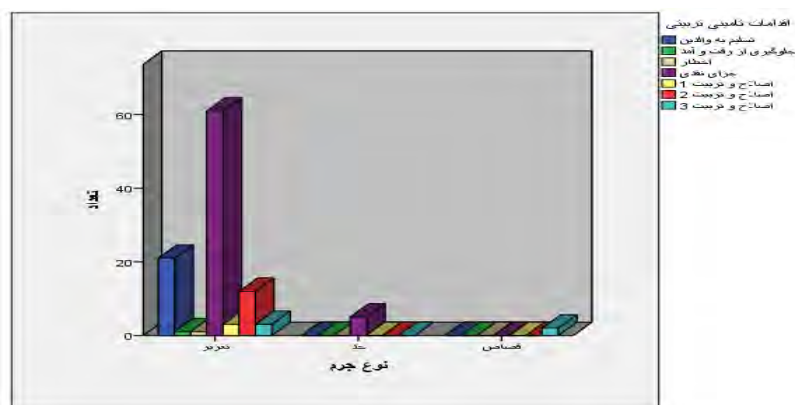


جدول توزیع فراوانی آراء به تفکیک اقدامات تأمینی و تربیتی

	فراوانی	درصد	درصد اعتباری	درصد تجمعی
تسلیم به والدین	21	10.3	19.3	19.3
جلوگیری از رفت و آمد	1	.5	.9	20.2
اخطار	1	.5	.9	21.1
جزای نقدی	66	32.4	60.6	81.7
نگهداری در مرکز اصلاح و تربیت ۳ ماه تا یکسال در جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۵	3	1.5	2.8	84.4
نگهداری در مرکز اصلاح و تربیت ۱ سال تا ۳ سال در جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۵	12	5.9	11.0	95.4
نگهداری در مرکز اصلاح و تربیت ۳ ماه تا ۵ سال در جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۳	5	2.5	4.6	100.0
جمع	109	53.4	100.0	
بدون پاسخ	95	46.6		
کل	204	100		

انواع اقدامات تأمینی و تربیتی در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) بیان شده است؛ اما از میان مجموع اقدامات موجود که امکان صدور حکم پیرامون آنها وجود داشته است در خصوص گروه‌های سنی ۹-۱۲، ۱۲-۱۵ و ۱۵-۱۸ سال، تسلیم به

والدین، جلوگیری از رفت و آمد به محل‌های معین، اخطار، جزای نقدی و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، مورد تصمیم قرار گرفته است. به طوری که از میان این تصمیم‌ها ۱۰.۳٪ به تسلیم به والدین، ۰.۵٪ به جلوگیری از رفت و آمد به محل‌های معین، ۰.۵٪ به اخطار، ۲.۴٪ به جزای نقدی، ۱.۵٪ به نگهداری در مرکز اصلاح و تربیت از ۳ ماه تا ۱ سال در جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۵، ۵.۹٪ به نگهداری در مراکز اصلاح و تربیت به مدت ۱ تا ۳ سال در جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۵ و ۲.۵٪ به نگهداری در مراکز اصلاح و تربیت به مدت ۳ ماه تا ۵ سال در جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۳، اختصاص یافته است. ۴۶.۶٪ از موارد مشمول اقدامات تأمینی تربیتی قرار نگرفته‌اند.

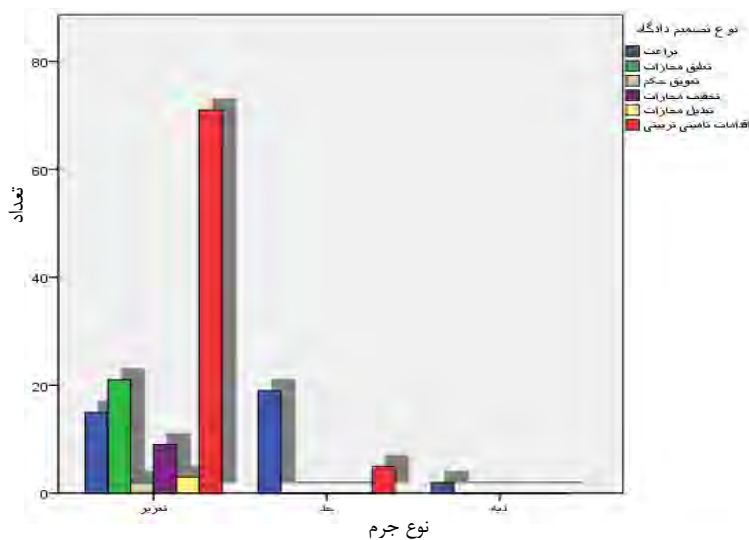


نمودار فوق در خصوص توزیع فراوانی اقدامات تأمینی و تربیتی در آراء مطالعه شده بر حسب نوع جرم (حدود، قصاص و تعزیرات) می‌باشد که بیشترین فراوانی در تعزیرات (جزای نقدی) حدود و قصاص (نگهداری در کانون اصلاح و تربیت) می‌باشد.

جدول توزیع فراوانی اقدامات تأمینی تربیتی در آراء مطالعه شده بر حسب نوع جرم

		نوع جرم			جمع	
		تعزیر	حد	قصاص		
اقدامات تأمینی و تربیتی	والدین تسلیم به	فراوانی	21	0	0	21
		درصد در اقدامات تأمینی و تربیتی	100.0%	.0%	.0%	100.0%
		درصد در جنسیت	20.6%	.0%	.0%	19.3%
	جلوگیری از رفت و آمد	فراوانی	1	0	0	1
		درصد در اقدامات تأمینی و تربیتی	100.0%	.0%	.0%	100.0%
		درصد در جنسیت	1.0%	.0%	.0%	.9%
	اخطار	فراوانی	1	0	0	1
		درصد در اقدامات تأمینی و تربیتی	100.0%	.0%	.0%	100.0%
		درصد در جنسیت	1.0%	.0%	.0%	.9%

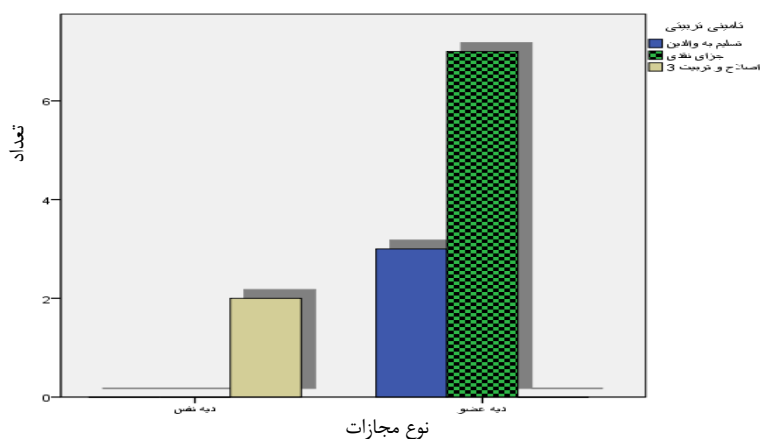
نقدی	فراوانی	61	5	0	66
	درصد در اقدامات تأمینی و تربیتی	92.4%	7.6%	.0%	100.0%
	درصد در جنسیت	59.8%	100.0%	.0%	60.6%
کانون اصلاح و تربیت ۳ ماه تا یک سال	فراوانی	3	0	0	3
	درصد در اقدامات تأمینی و تربیتی	100.0%	.0%	.0%	100.0%
	درصد در جنسیت	2.9%	.0%	.0%	2.8%
کانون اصلاح و تربیت ۱ تا ۳ سال	فراوانی	12	0	0	12
	درصد در اقدامات تأمینی و تربیتی	100.0%	.0%	.0%	100.0%
	درصد در جنسیت	11.8%	.0%	.0%	11.0%
کانون اصلاح و تربیت ۲ تا ۵ سال	فراوانی	3	0	2	5
	درصد در اقدامات تأمینی و تربیتی	60.0%	.0%	40.0%	100.0%
	درصد در جنسیت	2.9%	.0%	100.0%	4.6%
جمع	فراوانی	102	5	2	109
	درصد در اقدامات تأمینی و تربیتی	93.6%	4.6%	1.8%	100.0%
	درصد در جنسیت	100.0%	100.0%	100.0%	100.0%



توزیع فراوانی نوع تصمیم دادگاه (برائت، تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم، تخفیف مجازات، تبدیل مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی) بر حسب نوع جرم (تعزیر، حدود و دیات) می‌باشد که بیشترین فراوانی حکم به برائت در جرایم حدی بوده است و در سایر موارد بیشترین فراوانی مربوط به جرایم تعزیری بوده است.

جدول توزیع فراوانی نوع تصمیم دادگاه در آراء مطالعه شده بر حسب نوع جرم

		نوع جرم			جمع	
		تعزیر	حد	دیه		
نوع تصمیم دادگاه	برائت	فراوانی	15	19	2	36
		درصد در نوع تصمیم دادگاه	41.7%	52.8%	5.6%	100.0%
		درصد در جنسیت	12.4%	79.2%	100.0%	24.5%
	مجازات تعلیق	فراوانی	21	0	0	21
		درصد در نوع تصمیم دادگاه	100.0%	.0%	.0%	100.0%
		درصد در جنسیت	17.4%	.0%	.0%	14.3%
	حکم تعویق	فراوانی	2	0	0	2
		درصد در نوع تصمیم دادگاه	100.0%	.0%	.0%	100.0%
		درصد در جنسیت	1.7%	.0%	.0%	1.4%
	مجازات تخفیف	فراوانی	9	0	0	9
		درصد در نوع تصمیم دادگاه	100.0%	.0%	.0%	100.0%
		درصد در جنسیت	7.4%	.0%	.0%	6.1%
	مجازات تبدیل	فراوانی	3	0	0	3
		درصد در نوع تصمیم دادگاه	100.0%	.0%	.0%	100.0%
		درصد در جنسیت	2.5%	.0%	.0%	2.0%
	اقدامات تأمینی ترتیبی	فراوانی	71	5	0	76
		درصد در نوع تصمیم دادگاه	93.4%	6.6%	.0%	100.0%
		درصد در جنسیت	58.7%	20.8%	.0%	51.7%
	جمع	فراوانی	121	24	2	147
		درصد در نوع تصمیم دادگاه	82.3%	16.3%	1.4%	100.0%
		درصد در جنسیت	100.0%	100.0%	100.0%	100.0%



جدول توزیع فراوانی نوع مجازات در آراء مطالعه شده بر نوع مجازات

		تأمین تربیتی			جمع	
		تسلیم به والدین	نقدی	کانون اصلاح و تربیت از ۳ ماه تا ۵ سال		
نوع مجازات	دیه نفس	فراوانی	0	0	2	2
		درصد در نوع مجازات	.0%	.0%	100.0%	100.0%
		درصد در نوع اقدام تأمینی تربیتی	.0%	.0%	100.0%	16.7%
	دیه عضو	فراوانی	3	7	0	10
		درصد در نوع مجازات	30.0%	70.0%	.0%	100.0%
		درصد در نوع اقدام تأمینی تربیتی	100.0%	100.0%	.0%	83.3%
جمع	فراوانی	3	7	2	12	
	درصد در نوع مجازات	25.0%	58.3%	16.7%	100.0%	
	درصد در نوع اقدام تأمینی تربیتی	100.0%	100.0%	100.0%	100.0%	

بیشترین میزان فراوانی اقدامات تأمینی و تربیتی در دیه نفس، جزای نقدی و در دیه عضو، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت است.

۴. تحلیل داده‌ها و نتیجه

بزهکاری یک رفتار ضداجتماعی است که به موجب چهارچوب‌های قانونی یک جامعه، عنوان پدیده بزهکاری بر آن برگزیده شده است.^۱ ضرورت مداخله نظام عدالت کیفری و اعمال ضمانت اجراهای رسمی و غیر رسمی امری اجتناب‌ناپذیر است و نوع واکنش اتخاذی در حیات اجتماعی افراد به ویژه افراد زیر ۱۸ سال بسیار اثرگذار است؛ به نحوی که اتخاذ واکنش تنبیهی برای آنان سبب تداوم حیات مجرمانه آنان خواهد شد. این مقاله در قسمت اول به تحولات تقنینی قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ با توجه به نظریه‌های جرم‌شناسی پرداخته و در قسمت دوم میزان بکارگیری این نهادها و تحولات تقنینی در رویه قضایی را مورد ارزیابی قرار داده است.

بین سن بزهکار و نوع تصمیم در مرحله تحقیق در دادسرا و همچنین سن بزهکار و اقدامات تأمینی و تربیتی ارتباط معناداری وجود دارد. مقام تحقیق در این پژوهش با صدور کیفرخواست برای افراد زیر ۱۸ سال به «شیوه‌های احیاگر جایگزین واکنش

۱. عظیم‌زاده، شادی، منبع پیشین، ص. ۴۲۵.

کیفری سزادهنده» که در نظریه جان بریثویت تبیین شده است، کمتر توجه نموده و با چنین رویکردی می‌تواند موجب توقف مسیر رشد اجتماعی آنان شود. نظام عدالت کیفری ایران در عمل علی‌رغم تفکیک سنی افراد زیر ۱۸ سال در جرایم تعزیری به سه گروه سنی ۱۲ - ۹ سال تمام شمسی، ۱۵ - ۱۲ سال تمام شمسی، ۱۸ - ۱۵ سال تمام شمسی، موارد واکنش غیرموثر در مورد این افراد را لحاظ ننموده است و علی‌رغم این که قانون‌گذار ایرانی در ۱۳۹۲ در راستای برنامه‌های اصلاحی و بازسازگاران در مقابل عدالت سزادهنده نهادهای فوق را در خصوص اطفال و نوجوانان قرار داده است اما ملاحظه می‌شود که مقام قضایی از این ابزار چندان استفاده ننموده و با عنایت به تحولات سیاست جنایی تقنینی اطفال، شاهد کاربردی شدن راهبردهای این سیاست نمی‌باشیم. با توجه به نظریه برچسب‌زنی و اینکه واکنش‌های سزادهنده باعث می‌شوند بزهکار زیر ۱۸ سال هویت جدید خود را پذیرفته و با عنوان بزهکار حرفه‌ای نقش ایفا نماید به نظر می‌رسد که برخورد تنبیهی نظام عدالت کیفری ایران سبب تقویت انحراف اولیه، بر اساس رهیافت واکنش اجتماعی لم‌رت می‌شود و اعمال این ابزارهای شرمسازسازی طردکننده از جانب نظام عدالت کیفری به طور رسمی نسبت به نوجوان بزهکار، سبب ایجاد بزهکاران منفور و طرد شده از جامعه شده و در برابر بازگشت آنها به جامعه مانع ایجاد می‌کند؛ در نتیجه آنها چاره‌ای جز کنار آمدن با انگ زده شده نداشته و ناهم‌نواپی استمرار یافته و زمینه جذب آنها به دوستان یا گروه‌های بزهکار فراهم شده و در نتیجه حیات مجرمانه آنان را تثبیت می‌کند.

میان نوع جرم و اقدامات تأمینی و تربیتی اتخاذی، تفاوت معناداری وجود دارد. مقام‌های قضایی در راستای برنامه‌های اصلاحی و بازسازگاران برخی از جایگزین‌ها و اقدامات تأمینی تربیتی مندرج در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ استفاده و بر طبق نتایج آماری برخی از آنها را مورد استفاده و موضوع حکم خود قرار نداده‌اند. این کیفیت استفاده قاضی از اقدامات تأمینی و تربیتی با توجه به نظریه رشد شاید چندان کارآمد نباشد. بر اساس نظریه جرم‌شناسی رشد‌مدار، بزهکاری پدیده‌ای پویا، مستعد رشد و تحول است که در فرایندی طولانی قابل بررسی است؛ به نحوی که بزهکاری در طول حیات فرد با گذر از یک مرحله سنی به مرحله سنی دیگری قابل تغییر است. رهیافت رشد برای پیشگیری ثانویه از جرم، برنامه‌های مبتنی بر بازپروری، واکنش بینابین و کنار گذاشتن مجازات‌های سزادهنده و تنبیهی را پیشنهاد می‌دهد. از سوی دیگر، جایگزین‌های نوین حبس، مانع ورود طفل بزهکار به نظام عدالت کیفری شده و بر روند حیات مجرمانه او تأثیر مثبت می‌گذارد. بهترین راهکار برای چنین افرادی استفاده از برنامه‌های اصلاحی و بازسازگاران است زیرا بر اساس آموزه‌های

شرمسازسازی بازیکپارچه‌گرا تمایل به بزهکاری مجدد را در میان آنها کاهش داد. قرار تعلیق مجازات و قرار تعویق صدور حکم از ورود طفل و نوجوان به چرخه نظام قضایی و دریافت برچسب مجرمانه و استمرار حیات مجرمانه وی و تبدیل شدن او به یک بزهکار حرفه‌ای جلوگیری می‌نماید.^۱

نظام عدالت کیفری، با توجه به تحولات چشمگیر آن در مسیر برنامه‌های اصلاحی و بازسازگاران و سیاست‌های پیشگیرانه در تکرار جرم برای اطفال، به منظور اتخاذ واکنش مناسب و مؤثر با شخصیت بزهکار، تشکیل پرونده شخصیت را ضروری لحاظ نموده است؛ زیرا مقام قضایی با توجه به این پرونده در دادرسی جوانان در تفهیم کیفر، پایش حرکت زیان‌بار مجرمان در مسیر حیات مجرمانه به اتخاذ تصمیمی که مانع از بزهکارتر شدن فرد می‌شود، اقدام می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد مقامات قضایی در ایران به دلیل عدم توجه به این امر، در صدور آراء متناسب با شخصیت افراد جوان و نوجوان توفیق کمتری داشته و جهت‌گیری آنها در راستای عدالت کلاسیک و اهداف سزادهنده کیفر بوده است. ارتباط نوع جرم با تصمیم قضایی در دادگاه و انواع اقدامات تأمینی تربیتی و انواع مجازات تفاوت معنادار می‌باشد. مقام قضایی در اجرا علی‌رغم اینکه قادر به تعیین جایگزین‌های حبس بوده است اما تمایل بیشتری به صدور حکم محکومیت به حبس در کانون داشته است. روشن است که زندان به دلیل ناکارآمدی آن بستر ساز حیات مجرمانه جوانان است؛ به دلیل مجرم‌پروری و جرم‌زایی و تولید خرده‌فرهنگ‌های ضداجتماعی که سبب اثرپذیری نوجوانان و جوانان از یکدیگر می‌باشد، موجب تداوم حیات مجرمانه زندانیان می‌شود. همان‌طور که بیان شد بر طبق نظریه طرفداران رشد، بزهکاری در حیات مجرمانه از یک نقطه آغاز شده و در اثر عوامل گوناگون تداوم می‌یابد، از جمله این عوامل معاشرت ترجیحی زندانیان با سایر افراد در زندان است و تشکیل خرده‌فرهنگ‌ها و پایدار شدن و تکرار بزهکاری آنان است. از جمله عوامل مؤثر در بزهکار شدن فرد بستر خانواده است که در صورت ضعف در خودکنترلی و عدم جامعه‌پذیری توانایی خویشتن‌داری در برابر وسوسه‌ها را نخواهد داشت. همان‌گونه که فردسون و هیرشی بیان می‌دارند: زندان به جای بازسازی بزهکار و بازگرداندن او به اجتماع سبب ایجاد یک هویت زندگی مجرمانه در وی می‌شوند؛ چون ابزارهای شرم‌سازسازی طردکننده هستند، سبب منفور شدن فرد از عدالت کیفری و تکرار بزهکاری در او می‌شود. پس هر چه مقام قضایی این نهادهای نوین که قانون‌گذار در قانون مجازات ۱۳۹۲ در خصوص اطفال و نوجوانان مقرر کرده است را بیشتر به کار بندد، به تولد دوباره حیات طفل یا نوجوان کمک کرده و می‌تواند آنها را در مسیر صحیح زندگی اجتماعی هدایت نماید.

1. Haines, K; Mahony, D, "Restorative Approaches, Young People and Youth Justice", in: Barry Goldson and John Muncie (eds), Youth Crime and Justice, Sage, 2006, pp. 116-118.

دادسرا جزء اولین نهادهای رسمی قضایی است که طفل بزهکار به چرخه آن می‌شود و به لحاظ این امر حائز اهمیت است؛ اما با توجه به این نتیجه آماری ملاحظه می‌شود که مقام تحقیق در دادسرا نیز تمایل چندانی به استفاده از راهکارهای نظام برنامه‌های اصلاحی و بازسازگارانۀ نداشته است. از آنجا که تحقیقات مقدماتی را بازپرس به عهده دارد چنانچه بازپرس بتواند به طور رسمی با قضاذایی و جلوگیری از ورود طفل و نوجوان به فرایندهای رسمی نظام عدالت کیفری جلوگیری نماید یا در صورت ورود به دادگاه، مقام قضایی با توجه به پرونده شخصیت طفل اقدام تأمینی تربیتی مناسب اتخاذ نمایند و در صورت صدور حکم حبس، مقام قضایی اجرای حکم نسبت به استفاده از امکان‌های مختلف مانند آزادی مشروط و غیره استفاده نماید، می‌تواند طفل را از انگ مجرمانه و پذیرفتن هویت جدید بزهکارانه دور نگاه داشته و وی را دوباره به زندگی اجتماعی صحیح وارد نماید.

مقام قضایی می‌بایست به پیامدهای منفی ناشی از واکنش‌هایی که منجر به برچسب رسمی از جانب نظام عدالت کیفری رسمی نسبت به افراد زیر ۱۸ سال می‌شود، توجه ویژه معطوف نماید. از این رو می‌بایست، از تدابیر شرم‌سارکننده و آموزش جهت بازپروری جوان منحرف به جامعه استفاده نماید. با عنایت به مهم‌ترین تدابیر پیشنهادی نظریه برچسب‌زنی، مقام قضایی بهتر است از حبس‌زدایی از جرایم بزهکاران جوان در معرض خطر و توسل به ابزارهای اجتماعی به جای کیفرمآبانه بهره جوید. برنامه‌هایی که با تقویت عوامل حمایتی، تضعیف عوامل و موقعیت‌های خطر با تغییر مثبت در شخصیت بزهکار سبب بالاتر رفتن توانایی اجتماعی بزهکار شود، بسیار حائز اهمیت است؛ بنابراین برنامه‌های خانواده‌مدار و مدرسه‌مدار در اینجا از اولویت بالایی برخوردار هستند. در صورت عدم موفقیت برنامه‌های پیشگیرانه و ورود طفل یا نوجوان به چرخه نظام کیفری می‌بایست از برنامه‌هایی که فقط سزادهنده نبوده بلکه با تکریم بزهکار با توجه به پرونده شخصیت و استفاده از واکنش رسمی اما اصلاحی او را به فردی قانون‌مدار نزدیک نمود. بنابراین ارتباط بین اقدامات تأمینی و تربیتی دختران و پسران در سنین متفاوت بیانگر این مطلب است.

ملاحظه نتایج آماری این پژوهش نشان می‌دهد که مقام‌های قضایی در موارد بسیار معدودی از اقدامات تأمینی و تربیتی و جایگزین‌های نوین استفاده کرده‌اند و در اغلب موارد به حبس و جزای نقدی متوسل شده‌اند؛ این موضوع بیانگر عدم تحقق تحولات تقنینی مورد نظر مقنن که با هدف اصلاح و بازسازگاری اطفال و نوجوانان بزهکار پیش‌بینی شده است، می‌باشد. شناسایی دلایل این موضوع خود مستلزم پژوهش کیفی مستقلی است. با این حال به نظر می‌رسد به طور قابل توجهی آماده

نبودن زیرساخت‌های اجرایی، اعم از منابع انسانی، نهادها و تأسیسات کافی و غیره، شاید مهم‌ترین دلیل عدم اجرای این سازوکارهای جدید باشد. روشن نبودن دورنما و اهداف کیفی در نظام قضائی و فقدان ترسیم مسیری روشن در این رابطه و همچنین نبود مجموعه‌ای نظام‌مند و قابل ارزیابی در رابطه با اجرای احکام کیفری و پایش و نظارت مستمر آن است، از دیگر عوامل متروک ماندن چنین سازوکارهایی است. از سو دیگر، عدم بکارگیری و مداخله ابزارهای سیاست جنایی مشارکتی، کنترل ضعیف خانواده‌ها یا فقدان مراقبت و نظارت والدینی در این پرونده‌ها، عدم بهره‌گیری کافی از برنامه‌های خانواده‌مدار و مدرسه‌مدار، ضعف علقه‌های اجتماعی، عدم وجود نهادهای مراقبتی پس از آزادی، نبود برنامه‌های پیشگیرنده فرزندپروری، عدم استفاده از مشاوران روان‌شناس و جامعه‌شناس در مراحل مختلف نظام عدالت کیفری از جمله مواردی است که سبب شده است بسترهای مناسبی جهت اجرایی شدن این تحولات تقنینی فراهم نشده و نظام عدالت کیفری ایران را در راستای اجرای اهداف برنامه‌های اصلاحی و بازسازگارانۀ اطفال به سرمنزل مقصود نرساند. همچنین خلأهای اجرایی قانون در رابطه با پرونده شخصیت، انبوه شکایت‌های کیفری و پرونده‌های مطروحه در دادگاه در خصوص جرایم اطفال و نوجوانان، نگرش‌های سنتی قضات به مجازات و غیره از دیگر عوامل دخیل در این موضوع هستند.

نتیجه‌گیری

در راستای نتایج و یافته‌های پژوهش فوق، به منظور تحقق اهداف قانون‌گذار و تحولات تقنینی اخیر صورت‌گرفته در حوزه بزهکاری کودکان و نوجوانان، پیشنهادهای ذیل می‌تواند راهگشا باشد:

۱. در ابتدا به نظر می‌رسد در رویه و در عمل، ضروری است برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، شعب تخصصی همراه با قضات متخصص در این حوزه تعیین شوند؛ بخشی از علت عدم تمایل مقامات قضایی در عدم استفاده از نهادهای اصلاحی و بازسازگارانه در بزهکاری اطفال و نوجوانان ناشی از عدم آشنایی با ضرورت توسل به چنین اقداماتی است؛ بنابراین ضرورت دارد قضات مزبور طی دوره‌های آموزشی با ابعاد مختلف حوزه بزهکاری کودکان و نوجوانان، نحوه تعیین کیفر برای این گونه از بزهکاران و ارزیابی کیفرهای تعیین‌شده، آشنا شوند.
۲. نبود امکانات اجرایی مقتضی و فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم از جمله، تأسیسات و فضاهای کالبدی لازم، نبود منابع انسانی متخصص از جمله مددکاران اجتماعی، نبود بودجه کافی و در اولویت نبودن موضوع بزهکاری کودکان و نوجوانان، در عدم بهره‌گیری از اقدامات اصلاحی و بازسازگاری در بزهکاری اطفال و نوجوانان، مؤثر است.
۳. یکی دیگر از دلایل عدم تمایل قضات به بهره‌گیری از نهادهای اصلاحی - بازسازگارانه در بزهکاری اطفال و نوجوانان، ضعف در اجرای احکام کیفری است که خود ریشه در مشکل کلان‌تری دارد و آن فقدان یک «سیستم نظام‌مند و قابل ارزیابی اجرای مجازات» در مرحله اجرای احکام کیفری است. از همین رو قضات نمی‌توانند بعد از تعیین کیفر، در مرحله اجرا مجازات بازخوردی از اثر تصمیم خود داشته باشند؛ تقویت نقش دادیاران اجرای احکام کیفری و رسیمت بخشیدن به مرحله اجرای احکام کیفری می‌تواند در این رابطه مؤثر باشد.

منابع

- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
- اردبیلی، محمدعلی، «حمایت‌های بین‌المللی از اطفال و نوجوانان بزهکار»، تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶ - ۲۵، ۱۳۷۸.
- انجم شعاع، محمدمهدی، «تنبیه بدنی کودکان در پرتو سیاست جنایی حکومت دینی»، حقوق بشر، جلد ۶، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- جمشیدی، علیرضا، «گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضایی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲.
- چامپیون، دین جان، روش تحقیق در عدالت کیفری و جرم‌شناسی، ترجمه علی شایان، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۵.
- حسینی، حمید، پیشگیری مدرسه‌محور از بزهکاری کودکان و نوجوانان (مطالعه موردی مدارس شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- خدایاری، زهرا، بازخوانی سن مسئولیت کیفری در نظام حقوقی ایران در پرتو فقه و استانداردهای حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۱.
- زندی، محمدرضا، «بایگانی کردن پرونده (یادداشت سردبیر)»، مجله قضاوت، شماره ۱۶، ۱۳۸۲.
- صبوری پور، مهدی؛ علوی‌صدر، فاطمه، «سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره اول، ۱۳۹۴.
- صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- عباچی، مریم، «پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۷، ۱۳۸۳.
- عظیم‌زاده، شادی، جرم‌شناسی تطبیقی پایداری در بزهکاری در حقوق ایران و آمریکا، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۰.
- غلامی، حسین، «الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۶، ۱۳۹۲.
- _____، «اصل حداقلی بودن حقوق جزا»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۱.

- فتحی، حجت‌الله، «مسئولیت کیفری اطفال با رویکردی به لایحه قانون مجازات اسلامی»، حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۸۸.
- کوشا، جعفر، «سیاست‌های قضایی جدید در قبال جرایم اطفال»، در گزارش کارگاه‌های آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان، شورای عالی توسعه قضایی و یونیسف، ۱۳۸۰.
- گودرزی، محمدرضا، «نارسایی‌های زندان»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی الهیات و حقوق، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲.
- محسنی، فرید، «دستاوردهای نظری و عملی جرم‌شناسی رشدمدار»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۶، ۱۳۹۳.
- معاونت آموزش قوه قضاییه، «همایش بررسی نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در مورد دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان ویژه جمعی از قضات دادگستری استان تهران»، ۱۳۹۲.
- ملک افضل، حسین؛ نهپتیان، وار تکس؛ کاظم، محمد، روش‌های آماری و شاخص‌های بهداشتی، انتشارات فروزش، ۱۳۸۹.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی، «سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۳ - ۶۲، ۱۳۸۷.
- مهدوی، محمود، پیشگیری از جرم، انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
- مهرا، نسرین، «عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین‌الملل»، تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸، ۱۳۸۲.
- _____، «نظام عدالت کیفری اطفال و نوجوانان در انگلستان و ولز»، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۶، ۱۳۸۶.
- _____، عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- میرکمالی، سیدعلیرضا؛ حسینی، انسیه، «دادرسی افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ۷، شماره ۲، ۱۳۹۵.
- میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، چاپ هفتم، میزان، ۱۳۸۹.
- میرمحمدصادقی، حسین؛ محمدی، منصوره، «بررسی سن مسئولیت کیفری اطفال در ادوار قانون‌گذاری ایران و فقه جزایی اسلام»، کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان، کرمان، بهمن ۱۳۹۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، «از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صغار»، دیپاچه در: عباچی، مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، انتشارات مجد، ۱۳۸۰.

- نجفی توانا، علی، بزهدکاری و نابهنجاری اطفال، تهران، انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۲.
- _____، «سن مسئولیت کیفری اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین‌المللی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۴.
- ولد، جرج؛ اسنیپس، جفری، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، سمت، ۱۳۸۰.
- ویلیامز، فرانک پی؛ مک شین، ماری لین دی، نظریه‌های جرم‌شناسی، مترجم حمیدرضا ملک محمدی، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۸.
- وینتر، رناته، «مجازات‌های جایگزین در مورد اطفال بزهدکار»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۱۸ و ۱۷، ۱۳۷۹.

- Braithwait, John, "Restorative Justice and Responsive Regulation", Oxford University Press, New York, Australian and New Zealand Journal of Criminology, Vol. (36) (1), (2003).
- Cavendish Law Card Series, Criminal Law, Cavendish, 2004.
- Crawford, A; Newburn, T, Youth Offending and Restorative Justice: Implementing Reform in Youth Justice, Willan Publishing, 2003.
- Davis G.; Boucherat, J; Watson, D, "Pre-court Decision Making in Juvenile Justice", British Journal of Criminology, Vol. 29, 1989.
- Frase, Richard, "Limiting Retributivism: The Consensus Model of Criminal Punishment", in: Michael Tonry (ed), The Future of Imprisonment in the 21th Century, Oxford University Press, 2003.
- Haines, K; Mahony, D, "Restorative Approaches, Young People and Youth Justice", in: Barry Goldson and John Muncie (eds), Youth Crime and Justice, Sage, 2006.
- Muncie, J, Goldson, B, Comparative Youth Justice, Sage, 2006.